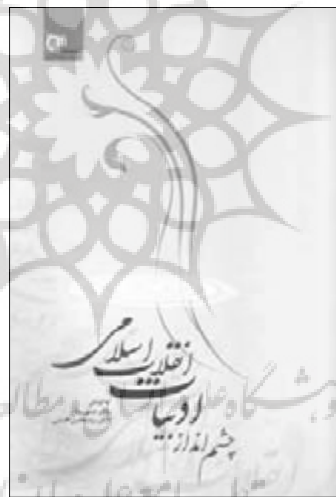


چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی

(گفت‌وگو با صاحب‌نظران ادبیات معاصر)

به همراه گزیده کتاب‌شناسی ادبیات انقلاب اسلامی)

فاطمه ستاری



* چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی (گفت‌وگو با صاحب‌نظران ادبیات

معاصر به همراه گزیده کتاب‌شناسی ادبیات انقلاب اسلامی).

* به کوشش: دکتر حسین بیات، دکتر سیدمحسن حسینی

* مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۷

دکتر کامل احمدنژاد، دکتر کاووس حسن‌لی، دکتر احمد خاتمی، مصطفی رحماندوست، محمود رفیعی، حمید سبزواری، دکتر محمدرضا سنگری، حمیدرضا شکار سری، مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر قدرت الله طاهری، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، مصطفی محدثی خراسانی، حسنعلی محمدی، علی معلم دامغانی، محسن مؤمنی شریف، یوسفعلی میرشکاک.

در فصل دوم که به «ادبیات داستانی انقلاب در گفت‌وگو با صاحب‌نظران» می‌پردازد، گفتارهایی از این افراد می‌خوانیم: ابراهیم

کتاب چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای تخصصی درباره زوایای گوناگون ادبیات انقلاب اسلامی و مباحث مربوط به این مسئله است. کتاب پس از پیشگفتار و مقدمه، در سه فصل سامان یافته و در انتها، کتاب‌شناسی ادبیات انقلاب اسلامی آمده است. در فصل اول، تحت عنوان «شعر انقلاب در گفت‌وگو با صاحب‌نظران» با گفتارها و عقاید و نظرات صاحب‌نظران و فعالان در عرصه شعر انقلاب اسلامی آشنا می‌شویم، از جمله:



شد و بر این کلام صحنه گذاشت که «قاطع‌ترین نتیجه یک انقلاب سیاسی، یک انقلاب ادبی است.» برخی از تأثیرات انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر فارسی چنین بوده است:

۱. با وقوع انقلاب اسلامی، ادبیات معاصر که در بند یأس، پوچی و ابتذال زمینگیر شده بود، مجال یافت تا با سیر در عرصه‌ها و فضاهایی که از عطر حضور دین و معنویت و شهادت آکنده شده بود به افق‌های تازه‌ای برای آفرینش‌های ادبی دست یابد.

۲. انقلاب اسلامی، ادبیات را از انحصار عده‌ای روشنفکرنا خارج کرد و امکان حضور چهره‌های جدید را در حیطه ادبیات فراهم ساخت. این عده اگرچه در آغاز راه از نظر تکنیک شاعری و نویسندگی ضعف‌هایی داشتند، در میانه راه به پختگی و فرهیختگی رسیدند و هدایت جریان‌های ادبی را برعهده گرفتند.

۳. انقلاب اسلامی به خوبی توانست با تقویت اندیشه محوری و معناگرایی، روند افراطی فرم‌گرایی و تکنیک‌زدگی را مهار کند و رفته‌رفته نوعی تعادل بین اندیشه و فرم، چه در داستان و چه در شعر برقرار سازد.

۴. انقلاب اسلامی ضمن برقراری پیوند و آشتی دوباره با ادبیات شکوهمند گذشته، هویت ایرانی - اسلامی را به ادبیات معاصر بازگرداند و بسیاری از ظرفیت‌های ادبیات کهن را در اختیار ادبیات معاصر قرار داد.

۵. پرهیز از تکنیک‌زدگی افراطی، وجود شور و نشاط و هیجان انقلابی، بهره‌گیری از زبانی صمیمی و روشن و اجتناب از زبان رازناک سمبولیستی باعث شد نوعی از رئالیسم و واقع‌گرایی در ادبیات عصر انقلاب اسلامی رواج یابد.

۶. از آنجا که انقلاب اسلامی انقلابی مردمی بود، ادبیات آن هم ادبیاتی مردمی و جمع‌گرا بود. این مسئله باعث افزایش چشمگیر مخاطبان آثار ادبی و در نتیجه افزایش شمارگان آثار ادبی شد؛ در واقع در یک تغییر بنیادین، شعر دوباره به میان مردم بازگشت.

۷. از آنجا که انقلاب اسلامی خاستگاهی دینی و الهی داشت، ادبیات این انقلاب نیز با رویکردی دوباره به دین، معنویت، اخلاق، تعالی‌جویی و حقیقت‌طلبی غنایی تازه یافت.

۸. بسیاری از گونه‌های ادبی با پیروزی انقلاب اسلامی رشدی چشمگیر یافتند که نمایشنامه‌نویسی، فیلمنامه‌نویسی و ادبیات کودکان و نوجوانان از آن جمله‌اند.

۹. ارزش و اعتبار و شأن و مرتبتی که انقلاب اسلامی به زنان بخشید، باعث تعالی مقام زن در آثار ادبی شد.

۱۰. نقش جهان‌بینی شیعه در پیروزی انقلاب موجب شد

حسن بیگی، عبدالعلی دستغیب، فیروز زنوزی جلالی، محمدرضا سرشار (رضا رهگذر) و قاسمعلی فراست.

در ادامه این فصل، حاصل نشست تخصصی ادبیات داستانی انقلاب که با حضور آقایان دکتر حسین هاجری، دکتر حسین بیات و محمد حنیف برگزار شده بود، نقل شده است.

در فصل سوم تحت عنوان «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» به محورهای اصلی مباحث مطرح شده توسط صاحب‌نظران پرداخته شده است. در این بخش عمده‌ترین پرسش‌های مطرح شده در گفت‌وگو با صاحب‌نظران نقل شده و چکیده نظر آنان بیان شده است. به عنوان نمونه، یکی از پرسش‌های اساسی که از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شده، «تأثیر انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر فارسی» بوده است. جمع‌بندی نظرات صاحب‌نظران به این پرسش اساسی چنین بیان شده: «شکوه، گستردگی و فراگیری انقلاب، تغییر بنیادین در لایه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران به وجود آورد. ادبیات نیز که همواره پیوند گریزناپذیری با رویدادهای اجتماعی دارد، در نتیجه این دگرگونی دچار تحولی عمیق و بنیادین

و واقع‌بینی هست؛ اما بی‌آرمانی و بی‌اعتنایی به واقعیت نیست. در این ادبیات، عرفان و معنویت هست، اما انزوا و درویشی به معنی منفی این کلمات نیست. توجه و تقید به فرم و صورت هست، اما اکتفا به فرم و صورت نیست. یعنی شاعر یا نویسنده، تنها به فرم و صورت اصالت نمی‌دهد. نویسنده و شاعر در ادبیات انقلاب اسلامی، جهان‌گراست، ولی غربرزده نیست. ادبیات انقلاب اسلامی، نوگراست اما گذشته ستیز نیست و این‌طور نیست که برای نوآوری با همه اصالت‌ها و سنت‌ها و هرچه از گذشته رسیده است، سزیه بی‌دلیل داشته باشد. این ادبیات به تاریخ زبان و ادب فارسی علاقه‌مند است و میراث هزار و دویست سالهٔ مکتوب این زبان را میراث خود می‌داند. این ادبیات، جغرافیایی وسیع‌تر از مرزهای ایران دارد و نه تنها قلمرو دیگر کشورهای فارسی زبان را در برمی‌گیرد، بلکه الهام‌بخش ظلم‌ستیزان و آزادی‌خواهان تمامی جهان نیز بوده و خواهد بود. ادبیات انقلاب اسلامی برخلاف ادبیات بخشی از روشنفکران قبل از انقلاب که برای توده‌های مردم نامفهوم بود، زبان حال مردم و ترجمان آرمان‌ها و آرزوهای آنان است.»

بخش آخر کتاب که حاوی یک کتاب‌شناسی از ادبیات انقلاب اسلامی است، شامل چند قسمت است:

الف) دربارهٔ ادبیات انقلاب اسلامی

ب) فهرست آثار داستانی منتشر شده پس از ۱۳۵۷

ج) فهرست مجموعه اشعار منتشر شده پس از سال ۱۳۵۷ و اما نکته‌ای که دربارهٔ این مجموعه گفت‌وگوها و کتاب‌شناسی پیوست کتاب باید یادآور شد، این است که با وجود این که این کتاب در سال جاری چاپ و منتشر شده، اما به نظر می‌رسد تدوین این مجموعه مربوط به سال‌ها پیش (حداقل ۱۰ یا ۱۵ سال پیش) باشد. البته در پیشگفتار و مقدمهٔ کتاب اشاره‌ای به این مسئله نشده اما از قرائن چنین برمی‌آید؛ یکی این که عکس‌های مصاحبه‌شوندگان نسبت به سیمای کنونی این عزیزان، بسیار جوان‌تر به نظر می‌آیند و دیگر این که در کتاب‌شناسی پیوست، کتابی از دههٔ هشتاد نمی‌بینیم و سال انتشار عمدهٔ کتاب‌ها مربوط به دههٔ ۶۰ تا ۷۰ و گهگاه کتابی از سال‌های ۷۲ یا ۷۳ است. بسیار ضروری و مناسب بود اگر تدوین‌کنندگان این مجموعه به این فاصلهٔ زمانی اشاره‌ای می‌کردند، چرا که ممکن است بسیاری از صاحب‌نظرانی که گفتار آنان را در این مجموعه می‌خوانیم، اکنون تحلیلی متفاوت با آنچه در کتاب هست، ارائه دهند و یا وسعت دید و نوع قضاوت‌ها - باتوجه به تحولات سال‌های ۱۳۷۰ به بعد در ادبیات معاصر ایران - متفاوت از آنچه اکنون ارائه شده، باشد.

شاعران و نویسندگان متعهد، به دریای بیکرانهای از موضوعات و مضامین برای خلق آثار ادبی دست یابند.

۱۱. انقلاب اسلامی موجب شد شعر از حالت‌های فردگرایانه و اومانیستی و درددل‌های شخصی و خصوصی خارج شود و من شاعر تبدیل به فردی اجتماعی گردد که هم نزدیک را می‌بیند و هم چشمی دورنگر دارد.»

یکی دیگر از پرسش‌های مطرح شده، «ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی» بود. حاصل مباحث مطرح شده توسط صاحب‌نظران در این بخش چنین آمده: «ادبیات انقلاب اسلامی در سال‌های پس از انقلاب و بویژه دههٔ ۶۰ مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و پرمخاطب‌ترین جریان ادبی معاصر بوده است، با این حال برخی از منتقدان از سر لجاجت یا ناباوری آن را نادیده می‌گیرند و اظهار می‌کنند انقلاب اسلامی، هویت ادبی مستقلی ندارد یا این که هنوز زمان بررسی آن فرا نرسیده است. در حالی که همین افراد، ادبیات پیش از این دوره را زمانی تحلیل می‌کردند که حتی یک دهه از عمرش نگذشته بود.

علی‌رغم انکار مدعیان، نمی‌توان منکر ادبیات انقلاب اسلامی شد. این ادبیات امروز هویتی مستقل و قابل بررسی دارد، مگر این که تصور شود انقلاب فقط در شئون سیاسی جامعه روی داده و حجم وسیع آثار خلق شده که در ذهن و زبان مردم جاری است، نادیده گرفته شود. همچنین برخلاف عقیدهٔ برخی از شاعران و منتقدان، نمی‌توان عصر شعر انقلاب را تمام شده و پایان یافته تلقی کرد؛ چرا که ظلم‌ستیزی، تعهد و آرمان‌گرایی هرگز پایان نمی‌یابد. امروز فقط مصداق‌ها تغییر کرده و شاعر مسلمان با آرمانی بزرگ‌تر از گذشته برای دفاع در برابر دشمنی دژخیم‌تر و بدنهادتر خواهد ایستاد.

یکی از خصوصیات ادبیات انقلاب اسلامی، چشم‌انداز وسیع آن است. ادبیات انقلاب اسلامی نه فقط نسبت به عالم محسوس حساسیت دارد، بلکه از لحاظ هستی‌شناسی چشم‌اندازی به گستردگی و شمول «عالم غیب» و «عالم شهادت» دارد. این ادبیات هم عالم درون را در نظر می‌گیرد و هم عالم بیرون را؛ هم به فرد توجه دارد و هم به جامعه. ادبیات انقلاب اسلامی ادبیاتی است ملتزم و متعهد. ادبیات انقلاب اسلامی با شاعر و نویسنده‌ای که زیبایی را فقط برای زیبایی و دل خود بخواهد سر و کار ندارد. این ادبیات به ارزش‌های اخلاقی التزام دارد و بیان لجام‌گسیختهٔ احساسات درونی، فردی و خصوصی شاعر و نویسنده در آن جایی ندارد.

در ادبیات انقلاب اسلامی توجه به انسان هست، اما «اومانیسم» به معنی غربی این کلمه نیست؛ در واقع این ادبیات، انسان‌گرا هست، اما انسان‌مدار نیست. در ادبیات انقلاب اسلامی واقع‌گرایی